



Sanctioning of International Criminal Court Judges by United States of America from the Perspective of International Law

Sayyed Saeed Daeioleslam
PhD student of International Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran

تحریم قضات دیوان کیفری بین‌المللی توسط ایالات متحده آمریکا در پرتو قواعد حقوق بین‌الملل

سید سعید داعی‌الاسلام
دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران
s.daei.law@gmail.com
<http://orcid.org/0000-0002-0262-3581>

Abstract

One of the most important possible ways to achieve international criminal justice may be International Criminal Court, which has been investigating the crimes committed by US citizens in Afghanistan since 2016. In response, the United States sanctioned ICC judges and individuals in connection with ICC, which received various reactions from different states. This article, using a descriptive-analytical method, first examines the jurisdiction of the court in dealing with the issue, then the sanctioning of persons, especially judges, in international law, and finally the international obligations of the United States of America, and it comes to the conclusion that, on the one hand, the sanctioning of judges is the immunity of judges. violated the court, which is necessary for their judicial independence, and on the other hand, the United States of America, by sanctioning the judges of the International Criminal Court, violated its international obligations, including general obligations, the implementation of which is necessary to achieve criminal justice. Finally, the action of the United States of America was caused by the policy of that government and its own interests and cannot be justified based on the rules of international law.

Keywords: International Criminal Court, Sanction, Immunity of Judges, War Crimes.



چکیده

از مهم‌ترین ابزارهای موجود برای دستیابی به عدالت کیفری بین‌المللی، دیوان کیفری بین‌المللی می‌باشد که در همین راستا این دیوان از سال ۲۰۱۶ اقدام به بررسی جنایات ارتكابی اتباع ایالات متحده آمریکا در افغانستان نمود. در واکنش به این عمل، ایالات متحده آمریکا قضات و افراد در ارتباط با دیوان را تحریم نمود که این عمل با بازخوردهایی متفاوت از دولت‌ها روبرو شد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی ابتدا صلاحیت دیوان در رسیدگی به موضوع، سپس تحریم اشخاص به خصوص قضات در حقوق بین‌الملل و نهایتاً تعهدات بین‌المللی ایالات متحده آمریکا را مورد بررسی قرار می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که تحریم قضات از یک طرف، مصونیت قضات دیوان را که برای استقلال قضایی آن‌ها لازم است خدشه‌دار نموده و از سوی دیگر ایالات متحده آمریکا، با تحریم قضات دیوان کیفری بین‌المللی، تعهدات بین‌المللی خود را از جمله تعهدات عام‌الشمول که اجرای آن‌ها برای نیل به عدالت کیفری لازم است نقض کرد. نهایتاً این که اقدام ایالات متحده آمریکا ناشی از سیاست آن دولت و منافع خود بوده است و بر مبنای قواعد حقوق بین‌الملل قابل توجیه نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: دیوان کیفری بین‌المللی، تحریم، مصونیت قضات، جنایات جنگی.

Received: 2022/06/26 - Review: 2022/08/30 - Accepted: 2022/10/20

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۲۶ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

<p>ارجاع: داعی الاسلام، سید سعید؛ (۱۴۰۱)، تحریم قضات دیوان کیفری بین‌المللی توسط ایالات متحده امریکا در پرتو قواعد حقوق بین‌الملل، تمدن حقوقی، شماره ۱۳.</p>
<p>Copyrights: Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.</p> 


مقدمه

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (اساسنامه رُم) در تاریخ اول ژوئیه سال ۲۰۰۲ برای کشورهای عضو لازم الاجرا شده و به دیوان این صلاحیت را اعطاء کرده است تا به جرایم بین‌المللی که پس از این تاریخ به وقوع می‌پیوندند رسیدگی کند. در اساسنامه رُم مهم‌ترین جرایم بین‌المللی شامل جنایت نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز می‌باشد که جامعه بین‌المللی در کل^۱ در برخورد با آن وظیفه دارد. این جرایم به حدی شدید بوده و آنچنان ناقض قواعد آمره بین‌المللی^۲ هستند که تمامی دولت‌ها باید از وقوع آن جلوگیری کرده و در صورت وقوع، با آن برخورد نمایند. اساسنامه رُم اعمال صلاحیت بر شدیدترین جرایم بین‌المللی را به اشخاص حقیقی محدود می‌سازد (کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۱۳۹۴، ۲۳۸)؛ یعنی دولت‌ها در دیوان قابل محاکمه نیستند و تنها به جرایم اشخاص رسیدگی می‌شود. از مهم‌ترین جرایم بین‌المللی جنایات جنگی‌اند که بیشتر در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی اتفاق افتاده و نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه^۳ محسوب می‌شوند. با وجود این در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ذکر شده است که این جرم هم در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و هم در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی به وقوع می‌پیوندد (Rome Statute, 1998, Article 8). از دیدگاه دیوان کیفری

1- International Community as a Whole

2- Jus Cogens

3- International Humanitarian Law

بین‌المللی برای یوگسلاوی، ممنوعیت شکنجه که یکی از مصادیق جنایات جنگی می‌باشد^۴، به دلیل اهمیت ارزش‌هایی که در حمایت می‌گیرد اکنون تبدیل به یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل شده است (زر نشان، ۱۳۹۳، ۳۴۵). از این رو مطابق حقوق بین‌الملل عرفی و بر مبنای آمره بودن این قواعد، نقض قاعده ممنوعیت شکنجه و به طور کل قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه امکان‌پذیر نبوده و با واکنش شدید جامعه بین‌المللی روبرو خواهد شد.

در سال ۲۰۱۶ دیوان کیفری بین‌المللی احتمال ارتکاب جرایم جنگی توسط ارتش ایالات متحده آمریکا و سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده آمریکا (سیا)^۵ در افغانستان را مطرح و قصد خود را مبنی بر رسیدگی به اتهام جنایات جنگی توسط ارتش ایالات متحده آمریکا اعلام نمود که با واکنش شدید ایالات متحده آمریکا روبرو گردید. نهایتاً بعد از گذشت زمان و پافشاری دیوان بر رسیدگی، ایالات متحده آمریکا اعلام کرد اعضای دیوان را که درباره شهروندان این کشور یا هم‌پیمانان ایالات متحده آمریکا از جمله اسرائیل تحقیق کنند، تحریم می‌کند و برای آنان و خانواده‌شان روایید ایالات متحده آمریکا صادر نمی‌کند. رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا، دونالد ترامپ^۶، در این راستا دستوری اجرایی^۷ صادر کرد که طی آن، دادستان دیوان، فاتو بنسودا^۸ ریاست قضات، فاکیسو موچوچوکو^۹ و تمامی کسانی که در راستای انجام رسیدگی به اتهامات نیروهای ایالات متحده آمریکا دیوان را یاری نمایند، تحریم شدند.^{۱۰} اقدام ایالات متحده آمریکا واکنش نهادهای مختلف بین‌المللی و دولت‌ها را در پی داشت. مدیر بخش عدالت بین‌الملل سازمان دیده‌بان حقوق بشر، ریچارد دیکر^{۱۱}، بیان کرد: «ادعای وضعیت اضطراری ملی برای مجازات دادستان و تعقیب‌کنندگان جنایات جنگی نشان‌دهنده بی‌توجهی کامل نسبت به قربانیان است».^{۱۲} هرچند که این اقدام واکنش منفی نهادهای بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا و

۴- شکنجه یا هر یک از مصادیق جنایات جنگی با توجه به شرایط می‌تواند تحت شمول یکی دیگر از جرایم مثل جنایت علیه بشریت قرار گیرد.

5- Central Intelligence Agency

6- Donald Trump

7- Executive Order 13928 of June 11, 2020

8- Fatou Bensouda

9- Phakiso Mochochoko

۱۰- پس از روی کار آمدن دولت جو بایدن، این تحریم طی دستور اجرایی شماره ۱۴۰۲۲ در تاریخ یکم آوریل ۲۰۲۱ برداشته شد.

11- Richard Dicker

12- US Sanctions International Criminal Court Prosecutor, Human Rights Watch Report, 2 September 2020, Available at: <https://www.hrw.org/news/2020/09/02/us-sanctions-international-criminal-court-prosecutor>.

دولت‌هایی همچون فرانسه را در پی داشت، ولی از طرف دیگر از حمایت برخی از هم‌پیمانان ایالات متحده امریکا مانند اسرائیل برخوردار شد.^{۱۳}

در رابطه با تحریم اشخاص حقیقی، در مقاله‌ای به تشریح این مسئله پرداخته شده است که مشروعیت تحریم اشخاص حقیقی از منظر حقوق بین‌الملل چه مبنایی دارد و تنها به تحریم سران کشورها (با تأکید بر اتباع ایران) پرداخته شده است. نتیجه حاصله این بوده است که برخلاف تحریم اشخاص حقیقی با هدف مبارزه با تروریسم، تعدادی از افراد به بهانه‌های مختلف همچون نقض حقوق بشر مورد هدف قرار گرفته‌اند و تحریم برخی اشخاص به اتهام نقض بخشی از حقوق بین‌الملل نمی‌تواند مجوزی برای نقض بخش دیگری از حقوق بین‌الملل باشد (ضیایی و محمدی مطلق، ۱۳۹۳، ۱۷۲). در رابطه با تحریم قضات دیوان توسط ایالات متحده امریکا، تاکنون تحقیق خاصی صورت نگرفته است. در این مقاله سعی می‌شود با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی ابتدائاً به این سؤال پاسخ داده شود که در رسیدگی به اتهامات اتباع ایالات متحده امریکا که متهم به ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت هستند، صلاحیت دیوان مطابق حقوق بین‌الملل به چه صورتی می‌باشد. آیا دیوان در رسیدگی به جرایم مرتکبین این جنایات صلاحیت رسیدگی داشته است و یا طبق ادعای ایالات متحده امریکا با ملاحظات سیاسی قصد رسیدگی داشته است؟ سپس به این سؤال پاسخ داده خواهد شد که با استناد به قواعد حقوق بین‌الملل، تحریم قضات دیوان در حقوق بین‌الملل بر چه مبنایی استوار می‌باشد. نهایتاً این که تعهدات بین‌المللی ایالات متحده امریکا در این خصوص به چه صورتی بوده و این که آیا تحریم قضات دیوان ناقض تعهدات بین‌المللی آن دولت بوده است یا خیر.

۱- صلاحیت‌ها در رسیدگی به موضوع و سیاست ایالات متحده امریکا در قبال دیوان

صلاحیت^{۱۴} به معنی شایستگی و سزاواری می‌باشد و صلاحیت قضایی^{۱۵} به معنای قدرت دادگاه برای استماع و تصمیم‌گیری در خصوص یک پرونده و یا صدور دستورات مشخص می‌باشد (Martin, 2009, 307). هر دادگاهی در جهت رسیدگی به موضوعی که پیش رویش قرار می‌گیرد ابتدا بررسی می‌کند که آیا صلاحیت رسیدگی به موضوع را دارد یا خیر. در خصوص صلاحیت به رسیدگی به

13- Israel's Netanyahu hails US' sanctions on the ICC, Middle East Monitor Report, 15 June 2020, Available at: <https://www.middleeastmonitor.com/20200615-israels-netanyahu-hails-us-sanctions-on-the-icc>.

14- Competence

15- Jurisdiction

جرایم ارتكابی در خاک افغانستان ابتدا باید دید که آیا دیوان صلاحیت رسیدگی به موضوع پیدا می‌کند یا خیر و اگر پاسخ مثبت می‌باشد با چه شرایطی می‌تواند صلاحیت خود را اعمال کند. سپس برای درک سیاست اتخاذی ایالات متحده آمریکا نسبت به تحریم قضات دیوان، باید به سیاست ایالات متحده آمریکا در قبال دیوان پرداخته شود. آنچه مهم به نظر می‌رسد بررسی دیدگاه ایالات متحده آمریکا نسبت به دیوان می‌باشد و باید دید سیاست اتخاذی ایالات متحده آمریکا در قبال دیوان از ابتدای تأسیس دیوان به چه صورتی بوده است و این که آیا این دیدگاه امروزه تغییر کرده است یا خیر.

همان‌طور که در اساسنامه دیوان بیان شده است، اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی به موجب ماده ۱۳ اساسنامه به سه طریق ممکن است: ارجاع وضعیت از سوی یک دولت عضو (بند الف)، ارجاع وضعیت به دادستان از سوی شورای امنیت (بند ب) و آغاز تحقیقات از سوی دادستان دیوان، رأساً. (بند ج) (Rome Statute, 1998, Article 13). همچنین طبق ماده ۱۲ اساسنامه رُم برای این که دیوان صلاحیت رسیدگی به موضوع پیدا نماید، باید پیش شرط‌های اعمال صلاحیت وجود داشته باشد. دیوان به شرطی می‌تواند نسبت به جنایات مندرج در اساسنامه اعمال صلاحیت نماید که دولتی که در قلمرو آن این جنایات ارتکاب یافته یا دولتی که متهم تبعه آن است عضو اساسنامه باشد (اردبیلی، ۱۳۸۸، ۴۰). بنابراین اگر این شروط وجود نداشته باشد دیوان صلاحیت رسیدگی پیدا نمی‌کند. ولی در ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت وضعیت این گونه نبوده و مطابق با وظایف مصرح شورا در منشور ملل متحد، هرگاه شورا احساس کند که صلح و امنیت بین‌المللی به خطر افتاده و برای حفظ آن ضروری است، می‌تواند موضوع را به دیوان ارجاع دهد. همچنین ماده ۱۰۲ اساسنامه رُم بیان داشته است: «از وظایف مقرر برای دولت‌ها، تسلیم افراد تحت تابعیت خود به دیوان مذکور، برای محاکمه و تعقیب کیفری جنایات بین‌المللی ارتكابی می‌باشد». با این وجود صلاحیت دیوان در رسیدگی به جرایم، مکمل محاکم کیفری ملی است و جایگزین آن‌ها نیست؛ یعنی اساسنامه صلاحیت اولی و اصلی محاکم ملی در رسیدگی به جرایم مربوط به صلاحیت دیوان را به رسمیت شناخته است. لذا دیوان در صورتی که دادگاه‌های ملی صلاحیت‌دار قادر یا مایل به رسیدگی به جرایم موضوع اساسنامه نباشند صلاحیت رسیدگی پیدا می‌کند (شریعت باقری، ۱۳۸۸، ۲۴). پس دیوان در صورتی به جرایم صورت پذیرفته رسیدگی می‌کند که محاکم صلاحیت‌دار «نخواهند یا نتوانند» به جرایم مذکور رسیدگی نمایند. با توجه به موارد ذکر شده، نکته حائز اهمیت این است که آیا هیچ کدام از دولت‌های افغانستان و ایالات متحده آمریکا تاکنون عضو دیوان شده‌اند یا خیر. دولت افغانستان در تاریخ دهم فوریه ۲۰۰۳ اساسنامه

دیوان را به تصویب رسانده و در تاریخ یکم می ۲۰۰۳ اساسنامه برای آن دولت لازم الاجرا شد. ولی دولت ایالات متحده امریکا هر چند در تمامی مذاکرات مربوط به تصویب اساسنامه رُم شرکت داشته است و در آن مذاکرات، نکات بسیاری را مطرح کرد، اما تا کنون عضو دیوان نشده است.

در خصوص جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت ارتكابی در خاک افغانستان باید گفت که چون در خصوص دیوان، اصل صلاحیت تکمیلی مورد پذیرش قرار گرفته است، در قدم نخست، دولت افغانستان باید به جرایم ارتكابی در قلمروی خود رسیدگی کند. در صورتی که افغانستان مایل یا قادر به دادرسی نباشد، دیوان رسیدگی می کند؛ حال چه مرتکبین این جنایات تبعه افغانستان و چه اتباع دیگر دول باشند. بنابراین مطابق اساسنامه رم رسیدگی به جرایم ارتكابی در قلمرو دولت افغانستان در وهله نخست بر عهده خود دولت افغانستان بوده و در مرحله دوم دیوان رسیدگی می نماید؛ فلذا باید دید که آیا دولت افغانستان تاکنون به چنین جرایمی رسیدگی کرده و رسیدگی به جرایم ارتكابی نیروهای ایالات متحده امریکا در دستور کار این دولت بوده است یا خیر.^{۱۶}

همان طور که گفته شد، دولت افغانستان از سال ۲۰۰۳ عضو دیوان می باشد. پس دیوان در برخورد با جرایم مندرج در اساسنامه رم که در خاک افغانستان به وقوع پیوسته اند صلاحیت رسیدگی پیدا می کند. اما همان طوری که پیش از این ذکر شد صلاحیت دیوان تکمیلی است و دولت افغانستان باید ابتدائاً به جرایم رسیدگی نماید. جرایمی که در خاک افغانستان پس از ورود نیروهای ایالات متحده امریکا رخ داده اند، هم از جانب نیروهای دولت وقت افغانستان، هم از جانب نیروهای مسلح غیردولتی همچون گروه طالبان و هم از طرف نیروهای خارجی مثل آیساف، ناتو و ایالات متحده امریکا به وقوع پیوسته اند. در برخورد با نیروهای دولتی افغانستان و گروه های مسلح که مرتکب جنایات بوده اند، دولت وقت افغانستان رسیدگی هایی را انجام داد، ولی مواردی وجود داشته که مرتکبین این جنایات به کیفر نرسیده اند. در رسیدگی هایی که دیوان انجام داده بود نیز جنایات این افراد مورد بررسی قرار گرفته بود.^{۱۷}

در خصوص رسیدگی دولت افغانستان به جرایم نیروهای امریکایی نیز باید گفت ایالات متحده امریکا که

۱۶- تحریم قضات دیوان کیفری بین المللی توسط ایالات متحده امریکا در زمان پیش از استیلا طالبان بر افغانستان از تاریخ پانزدهم آگوست ۲۰۲۱ بوده است. در صورت حاکمیت مؤثر طالبان بر افغانستان، رسیدگی به جرایم ارتكابی، هر چند برخی از جرایم توسط نظامیان خود این گروه صورت گرفته بوده است، بر عهده این گروه می باشد.

17- The Situation in The Islamic Republic of Afghanistan, ICC Report, 5 March 2020, Available at: <https://www.icc-cpi.int/afghanistan>.

به عضویت دیوان درنیامده است، همواره تلاش کرده است با انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه با کشورهایایی که نیروهای خود را در آن‌ها وارد می‌کند، حوزه نفوذ و اختیارات دیوان علیه شهروندان و مقام‌های خود را محدود کند. یعنی کشورهای طرف این موافقتنامه‌ها اگر عضویت دیوان را پذیرفته باشند، به نوعی تعهد می‌نمایند که شهروندان ایالات متحده آمریکا را که مرتکب جنایات می‌شود، در صورت دسترسی به دیوان تحویل ندهند. از طرفی بند دوم ماده ۹۸ اساسنامه رُم مقرر داشته است: «دیوان نمی‌تواند تحویلی را درخواست نماید که دولت مورد درخواست مجبور شود برخلاف تعهداتی عمل کند که به موجب قراردادهای بین‌المللی رضایت دولت فرستنده برای تحویل تبعه دولت مزبور به دیوان شرط شده است، مگر این که دیوان قبل رضایت دولت فرستنده را برای انجام این تحویل کسب نموده باشد.» باید توجه داشت که دولت وقت افغانستان با امضای «موافقتنامه بلندمدت همکاری استراتژیک»^{۱۸} در سال ۲۰۱۲، برای سربازان ایالات متحده آمریکا به نوعی مصونیت قائل شده بود. بر اساس این موافقتنامه، نیروهای ایالات متحده آمریکا در صورت ارتکاب جرم تنها در کشور خود در برابر دادگاه محاکمه خواهند شد. با توجه به مفاد ماده ۹۸ اساسنامه این امر برداشت می‌شود که برخلاف منشور ملل متحد که در صورت مغایرت دیگر تعهدات دولت‌ها با مفاد آن، برتر از آن‌ها شمرده می‌شود، معاهدات منعقدہ بین دولت‌ها بر اساسنامه رُم برتری دارند و در صورت تعارض احکام این معاهدات جاری است. از طرفی موافقتنامه‌هایی که بین کشورهای عضو دیوان و ایالات متحده آمریکا منعقد می‌شوند مانند موافقتنامه مذکور، هرچند مغایر با ماده ۹۸ نیستند، اما می‌توانند منبع فشاری علیه کشورهای عضو دیوان باشند تا اتباع ایالات متحده آمریکا را به دیوان تحویل ندهند (آکاندی، ۱۳۸۵، ۵۱۳). به طور کلی سیاست کلی ایالات متحده آمریکا این است که از شهروندان خود در مقابل حاکمیت دول دیگر حمایت کند و در واقع می‌خواهد حاکمیت دول دیگر مانع از انجام عملیات‌های این دولت در خاک دیگر کشورها نشود. در برخی موارد دولت ایالات متحده آمریکا خود به جرایم سربازانش رسیدگی کرده و مرتکبین را به مجازات رسانیده است؛^{۱۹} ولی در بسیاری از موارد که این اتفاق نیفتاده است، مطابق موافقتنامه بلندمدت همکاری استراتژیک، دولت وقت افغانستان نیز

18- Enduring Strategic Partnership Agreement between the Islamic Republic of Afghanistan and the United States of America.

۱۹- در کشتار قندهار که صبح یازدهم مارس در ۲۰۱۲ در ولسوالی پنجوایی قندهار افغانستان روی داد، یک سرباز آمریکایی به نام «رابرت بیلر» هفده غیرنظامی افغان را کشت و جسد‌های آنان را در یک خانه به آتش کشید که در بین آنان کودکان نیز بودند. سرباز خاطی خود را به ماموران نظامی ایالات متحده آمریکا تحویل داد و نهایتاً در ایالات متحده آمریکا به جنایات او رسیدگی و حکم حبس ابد بدون بخشش برای او صادر گردید.

امکان رسیدگی به جرایم مرتکبین را نداشته و این امکان را از خود سلب کرده است. نهایتاً باید گفت از آن جایی که بسیاری از جرایم ارتكابی نه توسط دولت ایالات متحده امریکا که دولت متبوع سربازان محسوب می‌شود و نه توسط دولت افغانستان که این جرایم در قلمروی او اتفاق افتاده، رسیدگی نشده است، بنابراین رسیدگی به این جرایم با توجه به مطالب پیش گفته در صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد. همچنین اگر کشوری به اساسنامه دیوان نیوسته باشد، در صورتی که فردی از اتباع آن در سرزمین دولتی که عضو معاهده است، یکی از جرایم ذکر شده در اساسنامه را مرتکب شود، دیوان بدون توجه به عدم تصویب اساسنامه توسط دولت متبوع وی و حتی عدم رضایت آن دولت، صلاحیت قضایی خود را بر وی اعمال خواهد کرد (دهقانی، ۱۳۸۲، ۳۸۷)؛ لذا اقداماتی که قضات دیوان برای رسیدگی به جرایم ارتكابی نیروهای ایالات متحده امریکا و دیگر طرف‌های درگیر انجام داده‌اند، بر اساس مواد ۱۲ و ۱۳ اساسنامه رُم در راستای انجام وظایف شان بوده و این اقدام نقض حقوق بین‌الملل یا به شکل سیاسی عمل کردن، طبق ادعای ایالات متحده امریکا، نبوده است.

۲- سیاست کلی ایالات متحده امریکا در قبال دیوان

دولت ایالات متحده امریکا در تمامی مراحل منتهی به تهیه اساسنامه رُم حضور داشت و نکات قابل توجهی را نیز در مذاکرات مربوطه مطرح نمود، ولی نهایتاً به عضویت دیوان درنیامد. در حقیقت دولت کلبیتون اساسنامه رُم را امضاء کرده بود ولی پس از او در دوره ریاست جمهوری بوش، وی طی نامه‌ای رسمی به دبیرکل سازمان ملل متحد آن را پس گرفت (واحدی، ۱۳۸۹، ۲۵). ایالات متحده امریکا در این خصوص استدلال خاصی داشت که در طول مذاکرات مطرح کرده بود و همین استدلال از علل عدم عضویت این دولت در دیوان بود.

به طور کل سیاست اتحادی ایالات متحده امریکا نسبت به دیوان نشأت گرفته از چند مسئله است. در آن زمان ایالات متحده امریکا بیشتر به دنبال تأسیس دادگاهی بود که تحت کنترل شورای امنیت باشد؛ بنابراین می‌توان گفت که بر این اساس، جنبه قضایی دادگاه‌ها کنار زده می‌شد و شاید به نوعی حق وتوی پنج قدرت بزرگ شورای امنیت مانع کارکرد صحیح دادگاه‌ها می‌شد. در واقع به کشورهای صاحب حق وتو، این اجازه داده می‌شد که هر نوع رسیدگی در دادگاه منوط به تأیید آن‌ها باشد و حق وتو همچون پناهگاهی امن برای پنج کشور صاحب حق وتو باشد (واحدی، ۱۳۸۹، ۲۵). فارغ از این مسئله علل عمده مخالفت ایالات متحده امریکا با دیوان به طور کل چند مسئله بود؛ تعارض با قانون اساسی ایالات متحده

امریکا، تضعیف شورای امنیت، اعمال صلاحیت بر سربازان دول غیرعضو دیوان و سیاسی شدن دیوان و محاکمه سربازان امریکایی بر این اساس.

در خصوص تعارض با قانون اساسی باید گفت که قانون اساسی فدرال حق تعقیب قانونی امریکاییان جنایتکار را به حکومت و دولت فدرال تفویض کرده است (دهقانی، ۱۳۸۲، ۳۸۳)؛ بنابراین از آن جا که رسیدگی به جرایم شهروندان ایالات متحده امریکا طبق قانون اساسی فدرال در صلاحیت حکومت و دولت فدرال است، رسیدگی دیوان به این جرایم در تعارض با این مسئله قرار می‌گیرد. البته در خصوص تعارض با قانون اساسی فدرال موارد دیگری نیز مطرح شده بود. برای مثال این استدلال صورت گرفته بود که در دیوان هیأت منصفه وجود ندارد؛ درحالی که هیأت منصفه در سیستم قضایی ایالات متحده امریکا تضمین شده است و رسیدگی‌های قضایی با حضور هیأت منصفه صورت می‌پذیرد. باید توجه کرد این نظریه مطرح است که با استناد به قانون داخلی نمی‌توان از اجرای تعهدات بین‌المللی سرباز زد. این مسئله امری است که در دکترین و رویه قضایی بین‌المللی نیز بر آن صحنه گذاشته شده است.^{۲۰} ولی همان‌طور که تاکنون دیده شده است ایالات متحده آمریکا و برخی از دولت‌ها این را نپذیرفته‌اند و اتخاذ چنین رویه‌ای بیشتر بر مبنای ملاحظات اخلاقی و سیاسی می‌باشد تا ملاحظات حقوقی.

علت دیگر مخالفت ایالات متحده آمریکا، اعمال صلاحیت بر سربازان دول غیرعضو دیوان بود. ایالات متحده امریکا عقیده داشت که از آن جایی که هر معاهده تنها امضاءکنندگان آن را مقید می‌سازد و نه دیگران را، بنابراین دیوان نمی‌تواند بر دولت‌هایی که عضو اساسنامه نشده‌اند اعمال صلاحیت کند. در حقیقت استدلال ایالات متحده امریکا و دیگر کشورهایی که این انتقاد را مطرح می‌کردند بر مبنای ماده ۳۴ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات پایه‌ریزی شده بود. ماده ۳۴ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ می‌گوید: «یک معاهده برای کشور ثالث بدون رضایت وی تعهدات یا حقوقی ایجاد نمی‌کند.» به طور کل نمایندگی ایالات متحده امریکا در طول مذاکرات بر این عقیده بوده است که دیوان تنها در

۲۰- در دکترین می‌توان به نظریات «هانس کلسن» اشاره کرد که حقوق داخلی را تابعی از هنجارهای حقوق بین‌الملل می‌داند که به تعبیر وی هنجار برتر همان اصل وفای به عهد می‌باشد. در رویه قضایی رأی دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در قضیه ویمبلدون را می‌توان نام برد که برخلاف نظر آلمان که به حقوق داخلی خود استناد می‌نمود، دیوان بیان کرد که کانال کیل آبراه داخلی آلمان محسوب نمی‌شده است و آلمان، بر اساس تعهدات بین‌المللی خود موظف بوده است تا اجازه عبور کشتی از کانال را بدهد.

۲۱- یک معاهده برای کشور ثالث بدون رضایت وی تعهدات یا حقوقی ایجاد نمی‌کند.

A treaty does not create either obligations or rights for a third State without its consent.

صورتی صلاحیت رسیدگی به امری را دارد که هر دو دولت^{۲۲} صلاحیت دیوان را پذیرفته باشند و یا لاقلاً صلاحیت دیوان توسط دولت متبوع متهم پذیرفته شده باشد (شریعت باقری، ۱۳۸۸، ۲۹). بیش از هر چیزی ایالات متحده امریکا نگران این مسئله بود که سربازانی که به اقصی نقاط دنیا می‌فرستد و بخشی از مأموریت حفظ صلح می‌باشند بر اساس ادعاهای دولت میزبان مورد بازخواست قرار گیرند. شاید بر همین اساس ایالات متحده امریکا به دنبال نوعی مصونیت برای نیروهای خود در خارج از مرزهایش می‌باشد و می‌خواهد تا آن‌ها را از محاکمه در دیوان حفظ کند.

علت دیگر مخالفت ایالات متحده امریکا نیز همان‌طور در ابتدای این بخش تا حدودی به آن پرداخته شد، تضعیف شورای امنیت بوده است. در حقیقت دیوان یک نهاد مستقل قضایی بین‌المللی است که برای اجرای وظایف خود احتیاجی به مجوز شورای امنیت ندارد. تصور ایالات متحده امریکا، به‌عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت شاید این بود که اگر مسئله‌ای علیه اتباع او در دیوان مطرح شود، بتواند با توی خود آن مورد را فیصله دهد. از طرفی اعتقاد داشت که وظیفه اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده شورای امنیت است و لذا دیوان نیز باید در چهارچوب شورای امنیت عمل نماید و در غیر این صورت عملکرد دیوان موجب تضعیف شورای امنیت می‌گردد.

استدلال دیگر ایالات متحده امریکا که می‌توان آن را از علل اصلی تحریم قضات دیوان کیفری بین‌المللی در نظر گرفت این بود که این امکان وجود دارد تا سربازان امریکایی بر اساس ملاحظات سیاسی مورد محاکمه قرار گیرند. در واقع همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، ایالات متحده امریکا بیش از هر کشور دیگری در عملیات‌های مختلف حفظ صلح ملل متحد شرکت می‌کند و سربازان زیادی را به مناطق مختلف دنیا می‌فرستد؛ بنابراین بیش از هر کشور دیگری در معرض اتهام جنایات جنگی قرار می‌گیرد. نگرانی اصلی ایالات متحده امریکا این بود که دیوان به سلاحی بالقوه در دست مخالفان این کشور تبدیل شود (دهقانی، ۱۳۸۲، ۳۹۳). با تمام این‌ها باید گفت که به چند دلیل، سیاسی شدن دیوان منتفی است. اولاً صلاحیت دیوان، تکمیلی است؛ یعنی همان‌طور که گفته شد ابتدا دولت متبوع متهم یا دولتی که جرم در قلمروی او اتفاق افتاده است صلاحیت رسیدگی دارند و سپس در صورتی که این امر محقق نشود دیوان رسیدگی می‌نماید. بنابراین این امکان برای دولت ایالات متحده امریکا وجود داشت تا برای جلوگیری از رسیدگی به جرایم توسط دیوان، خود به تمام این جرایم رسیدگی نماید. ثانیاً در سازوکار دیوان هیأتی از قضات وجود دارد که

۲۲- دولت سرزمینی و دولت متبوع متهم.

به اقدامات دادستان رسیدگی می‌کند تا شبهه‌ای در خصوص سیاسی عمل کردن در جریان رسیدگی پیش نیاید. ثالثاً در صورتی که محرز شود قضات با انگیزه‌های سیاسی عمل کرده‌اند، عزل و تعویض می‌شوند (دهقانی، ۱۳۸۲، ۳۹۵). با توجه به موارد گفته شده این نتیجه به دست می‌آید که اتهام مطرح شده توسط ایالات متحده آمریکا نسبت به دیوان در خصوص سیاسی عمل کردن و فساد، مبنای درستی ندارد.

۳- مصونیت و تحریم قضات مطابق قواعد حقوق بین‌الملل

تحریم^{۲۳} به طور کل یا نسبت به اشخاص حقوقی (به طور کل دولت‌ها) یا نسبت به اشخاص حقیقی اعمال می‌شود. نکته قابل توجه این است که تحریم اشخاص حقیقی، تاکنون بیشتر برای سران دولت‌ها یا سران گروه‌های تروریستی اتفاق افتاده است و به نظر تاکنون تحریمی در خصوص قضات نهادی بین‌المللی صورت نپذیرفته است. بحثی که مطرح می‌شود این است که با توجه به مصونیتی که قضات چه در حقوق داخلی کشورها و چه در حقوق بین‌الملل دارند، تحریم قضات دیوان کیفری بین‌المللی توسط ایالات متحده آمریکا آیا ناقض تعهدات بین‌المللی دولت ایالات متحده آمریکا بوده است یا خیر. در این بخش ابتدا به مصونیت قضات و به طور خاص، قضات دیوان پرداخته می‌شود و سپس تحریم قضات دیوان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱- مصونیت قضات

مصونیت قضایی در معنی کلی حقوقی آن، آزاد بودن و معافیت از رسیدگی‌های قانونی است (Martin, 2009, 273). به طور جزئی‌تر، مصونیت^{۲۴} عبارت است از معافیت از برخی الزامات قانونی و برخوردار از حمایت‌های حقوقی در برابر برخی قوانین که گاه موجب عدم اجرای آن‌ها می‌شود و گاه اجرای مطلق مقررات و قوانین را با محدودیت‌هایی ویژه روبرو می‌سازد (حبیب‌زاده، اسدی، زمستان ۱۳۸۷: ۱۶۴). مصونیت مقام قضائی نیز به این معنا است که دادرس را بدون محاکمه و ثبوت تقصیر منفصل یا معلق نمی‌توان کرد و یا شغل او را تغییر داد مگر به موجب قانون (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ۶۵۷).

در خصوص مصونیت قضات باید گفت که مبانی نظری اصل مصونیت قضایی قضات در حقوق بین‌الملل شاید در برخی موارد با مصونیت قضات در حقوق داخلی تفاوت داشته باشد، ولی به طور کل مبانی مشترک و یکسانی دارند. یکی از این مبانی نظریه «حسن خدمت» است. بر مبنای این نظریه ضرورت اعطای مصونیت و امتیاز ویژه به اعتبار ماهیت وظایف و عملکرد قضات امری اجتناب‌ناپذیر است

23- Sanction

24- Immunity

(حبیب‌زاده و اسدی، ۱۳۸۷، ۱۶۴). در صورت فقدان مصونیت، قضات به طور یقین همواره در معرض شدیدترین تعرضات و معذوریت‌های سیاسی، اجتماعی، قضایی و... قرار می‌گیرند. بنابراین ضروری است که ایفای مطلوب وظایف آن‌ها به دور از هر نوع ارباب و تهدیدی انجام بگیرد (حبیب‌زاده و اسدی، ۱۳۸۷، ۱۶۴)؛ لذا مصونیت قضات باعث می‌شود تا قضات بدون دغدغه به امر قضاوت پرداخته و هیچ عامل بیرونی نتواند صداقت آن‌ها را در انجام وظایف قضایی‌شان و تحقق عدالت مورد تهاجم قرار دهد. مبنای نظری دیگر استقلال قضایی است که مطابق آن بدیهی است که قضات باید به طور مستقل و بی‌طرفانه قضاوت کنند. در واقع استقلال قضات در هر نظام حقوقی باید تضمین گردد. در همین خصوص بند سوم ماده ۴۰ اساسنامه رُم مقرر داشته است که هیچ کدام از قضات، چه آنان که به صورت تمام‌وقت مشغول خدمت هستند و چه قضاتی که به شکل پاره‌وقت عمل می‌کنند نمی‌توانند به فعالیتی پردازند که با وظایف آن‌ها ناسازگار بوده و استقلال آن‌ها را مورد تردید قرار می‌دهد؛ لذا دیده می‌شود که در سازوکار دیوان نیز استقلال قضات از اساسی‌ترین مؤلفه‌های آن است. مصونیت قضات نیز همان‌طور که مشخص است، از بنیانی‌ترین اصولی است که استقلال قضات را تضمین می‌کند.

با مطالب بیان شده روشن می‌شود که قضات دیوان هم مانند قضات در نظام حقوقی داخلی از مصونیت برخوردار هستند. به علاوه، «موافقتنامه در خصوص مزایا و مصونیت‌های دیوان کیفری بین‌المللی»^{۲۵} اندکی بعد از لازم الاجرا شدن اساسنامه رُم در تاریخ نهم سپتامبر ۲۰۰۲ در مجمع عمومی کشورهای عضو دیوان کیفری بین‌المللی تصویب شد. این موافقتنامه توسط اعضای دیوان برای برخوردار ساختن آن از مصونیت‌ها و مزایا در جهت استفاده کامل از توان خود برای پیشبرد اهداف مندرج در اساسنامه و این امر که قضات بدون دغدغه و هرگونه اکراه یا اجبار سیاسی بی‌طرفانه در خصوص جنایات بین‌المللی مندرج در اساسنامه قضاوت کنند منعقد شده است. مطابق ماده ۴۸ اساسنامه رُم، دیوان کیفری بین‌المللی باید در قلمروی هر دولت عضو اساسنامه رُم از مزایا و مصونیت‌هایی برخوردار شود که برای اجرای اهدافش ضروری است. در ماده ۱۵ موافقتنامه مزبور از مصونیت‌های مختلف قضات، دادستان، معاون دادستان و منشی صحبت به میان آمده و مزایا و مصونیت‌هایی برای آن‌ها در نظر گرفته شده است. طبق این ماده افراد مذکور از مصونیت‌ها و مزایای سران مأموریت‌های دیپلماتیک برخوردارند. در ماده ۱۶ هم برای افراد دیگر مثل کارمندان دفتر دیوان و کارمندان دفتر دادستانی مصونیت‌هایی در نظر گرفته شده

25- Agreement on the Privileges and Immunities of the International Criminal Court

است. هرچند به نظر می‌رسد که مواد این موافقتنامه فقط برای کشورهای عضو الزام‌آور باشد، ولی با توجه به مطالب بیشتر گفته، مصونیت قضات، اصلی اساسی و از جانب دیگر کشورها نیز لازم‌الرعا می‌باشد. در تمامی نظام‌های حقوقی دنیا این اصل پذیرفته شده است که قضات دارای مصونیت قضایی می‌باشند و در راستای ایفای وظایف شان نمی‌توان آن‌ها را مورد بازخواست قرار داد. ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری «اصول عمومی حقوقی مورد قبول ملل متمدن»^{۲۶} را به‌عنوان یکی از منابع حقوق بین‌الملل برشمرده است؛ بر همین اساس در حقوق بین‌الملل اصل مصونیت قضات یکی از اصول عمومی حقوقی بوده و بنابراین قابل نقض نیست. همچنین همان‌طور که پیشتر ذکر شد، مصونیت دادرسان در صورتی قابل نقض است که تقصیری متوجه آن‌ها باشد و بدون ثبوت تقصیر یا تخلف نمی‌توان مصونیت آن‌ها را نقض کرد. با بررسی روند رسیدگی دیوان در جرایم ارتكابی نیروهای ایالات متحده آمریکا این نکته واضح است که از جانب قضات دیوان تخلفی صورت نگرفته و اقدامات آن‌ها در راستای ایفای وظایف مصرح شان که در اساسنامه رُم مقرر شده صورت پذیرفته است؛ از طرفی برخورداری قضات از مصونیت به جهت نفع عمومی وجود دارد. با این استدلال نیز به جهت رسیدن به اهداف لازم برای نظم عمومی بین‌المللی و انتفاع جامعه بین‌المللی، قضات دارای مصونیت می‌باشند؛ بنابراین نقض مصونیت قضات از جانب ایالات متحده آمریکا بر این مبنا توجیه حقوقی ندارد.

۳-۲- تحریم قضات دیوان کیفری بین‌المللی توسط ایالات متحده آمریکا

تحریم در فرهنگ لغات حقوقی آکسفورد مجازاتی برای یک جرم تعریف شده است (Martin, 2009, 492). تحریم در حقوق بین‌الملل سابقاً به معنی ضمانت اجرا بوده است و به طور کل امروزه به معنای اقدام تنبیهی است که توسط یک دولت علیه دولت دیگر به خاطر نقض پیمان یا حقوق بین‌الملل صورت می‌پذیرد (آقایی، ۱۳۸۷، ۹۸۰). به طور کل تحریم‌ها در حقوق بین‌الملل براساس سازوکارهای سازمان ملل متحد و نهادهای بین‌المللی صورت می‌پذیرد و واکنشی به نقض حقوق بین‌الملل می‌باشند. اما به طور یکجانبه یا چندجانبه نیز از طرف دولت‌ها بدون قرارگرفتن در چهارچوب ملل متحد صورت پذیرفته است. در سال‌های اخیر توسل به تحریم به طور روزافزون گسترش پیدا کرده است، اما انگیزه هر یک از این تحریم‌ها متفاوت است؛ شمار زیادی از این تحریم‌ها به‌عنوان تدابیر یکپارچه اتخاذ شده‌اند. در مواردی دولت‌ها از طرف دولت‌های دیگر عمل کرده‌اند. گاهی دولت‌ها در مقام دفاع از

26- The general principles of law recognized by civilized nations

منافع بنیادین جامعه بین‌المللی برآمده‌اند که این مهم از طریق اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه آنچه نقض تعهدات عام‌الشمول^{۲۷} به حساب می‌آید، محقق شده است (وکیل، ۱۳۹۰، ۱۴۵).

تحریم اشخاص حقیقی در حقوق بین‌الملل معاصر نخستین بار با تحریم افراد و گروه‌های متهم به تروریسم بین‌المللی شکل گرفت و بعداً به استناد برخی فعالیت‌های نظامی و نقض حقوق بشر توسط برخی مسئولین ادامه یافت (ضیایی و محمدی مطلق، ۱۳۹۳، ۱۴۷). در حقیقت تحریم اشخاص در چهارچوب ملل متحد به‌عنوان تحریم هوشمند شناخته می‌شود؛ این تحریم‌ها، تحریم‌هایی هستند که علت آن دسته از افراد، گروه‌ها یا مقامات عالی رتبه اعمال می‌شوند که مسئول تخلف از قواعد بین‌المللی هستند (زمانی و مظاهری، ۱۳۹۰، ۱۲۰). علت اصلی وضع تحریم‌های هوشمند مسائل بشردوستانه بوده است تا از وارد آمدن فشار به مردم کشور هدف تحریم جلوگیری شود و خود دولت تحت فشار قرار گیرد. از طرفی در سال‌های اخیر بسیار مشاهده شده است که اشخاص حقیقی توسط دولت‌ها، جدای از نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا مورد تحریم قرار گرفته‌اند. تحریم‌هایی که از جانب دولت‌ها است در بسیاری از مواقع بر اساس اهداف شخصی آن‌ها^{۲۸} صورت می‌پذیرد. این اقدام در موارد زیادی از سوی ایالات متحده آمریکا دیده شده است که در برخی موارد با هدف پایبندی دولت مورد نظر به تعهدات خود و در برخی موارد دیگر دنبال کردن سیاستی خاص بوده است. دیدگاه آمریکایی در زمینه اعمال تحریم‌های یکجانبه از این قرار است که نظریه‌ای که تحریم‌های اقتصادی را غیرمشروع تلقی می‌کند مگر از سوی شورای امنیت یا یک سازمان منطقه‌ای مورد پذیرش قرار گیرد مطرود است، بلکه تحریم‌های اقتصادی از سایر راهکارها نیز اغلب بهتر هستند و در حکم ابزاری برای روابط خارجی دولت‌ها درآمده‌اند (وکیل، ۱۳۹۰، ۱۴۴). باید توجه داشت که تحریم اشخاص حقیقی تاکنون فقط نسبت به اشخاص مرتبط با دولت‌ها و تروریسم صورت پذیرفته و واکنشی به نقض قواعد حقوق بین‌الملل یا در جهت وادار کردن آن‌ها به اتخاذ رفتاری خاص در موضوعی مشخص بوده است؛ ولی در تحریم قضاات دیوان، ایالات متحده آمریکا با سران دولت‌ها طرف نبوده و نمایندگان بزرگ‌ترین مرجع کیفری بین‌المللی را تحریم نموده است. مرجعی که مظهر اراده جمعی تعداد کثیری از دولت‌ها در برخورد با جنایات و جرایم شدید بین‌المللی می‌باشد.

همان‌طور که پیشتر گفته شد، ترامپ طی دستور اجرایی شماره ۱۳۹۲۸ اقدام به تحریم قضاات دیوان

27- Erga omnes

۲۸- منظور نگارنده اهدافی است که مبتنی بر منافع مختص به خود آن‌ها می‌باشد و ارتباطی به جامعه بین‌المللی پیدا نمی‌کند، یا مورد قبول آن نیست.

نمود. این دستور به طور خلاصه مقرر داشته بود: یک- از جانب افراد موضوع تحریم، تمامی اموال و منافع اموالی که در ایالات متحده آمریکا وجود دارند، از این پس وارد ایالات متحده آمریکا شوند یا در مالکیت یا کنترل هر شخص آمریکایی در آیند، بلوکه می‌شوند و نمی‌توانند مورد جابجایی، پرداخت و... قرار بگیرند. دو- افراد تحریم شده افراد خارجی هستند که مستقیماً در تلاش‌های صورت گرفته دیوان کیفری بین‌المللی در جهت رسیدگی، بازداشت، توقیف یا تعقیب هر شهروند ایالات متحده آمریکا یا شهروندان دولت‌های هم‌پیمان ایالات متحده آمریکا، بدون رضایت ایالات متحده آمریکا و آن دولت‌ها دخیل باشند. همچنین کسانی‌اند که به طور مادی کمک و یا حمایت نمایند و یا حمایت‌های مادی، مالی یا تکنولوژیک برای افرادی که مطابق این دستور اموال یا منافع اموال آن‌ها مسدود شده است، فراهم نمایند. سه- فراهم کردن هر نوع کمک یا پول و کالا توسط، نسبت به و برای منفعت بردن هر شخصی که اموال و منافع اموال او با این دستور مسدود شده است، ممنوع می‌باشد. همچنین قبول این کمک‌ها از جانب این افراد نیز ممنوع است. چهار- ورود مهاجرین و غیرمهاجرین بیگانه که وارد ایالات متحده آمریکا می‌شوند و قصد دیدار افراد خانواده خود شامل همسر و فرزندشان را دارند، یا کسانی که مشخص شده است از مأموران دیوان بین‌المللی کیفری هستند یا توسط آن به استخدام در آمده و برای منافع ایالات متحده آمریکا مضر هستند، بر طبق این دستور معلق می‌شود؛ مگر مشخص شود که حضور آن‌ها برخلاف منافع ایالات متحده آمریکا نمی‌باشد. پنج- هر اقدامی در جهت دور زدن ممنوعیت‌های مقرر در این دستور و هر نوع کمک به افراد در جهت دور زدن این ممنوعیت‌ها، ممنوع شده است.

ماده ۱۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر در خصوص حق بر مالکیت مقرر داشته است که هر شخص منفرداً یا مجتمعاً از حق مالکیت برخوردار است و هیچ شخصی را به طور خودسرانه نمی‌توان از حق مالکیت محروم کرد (زمانی و مظاهری، ۱۳۹۰، ۱۳۷). می‌توان نتیجه گرفت که تحریم قضات دیوان توسط ایالات متحده آمریکا ناقض این ماده بوده است؛ چون بدون توجیه حقوقی و تنها با ادعای سیاسی عمل کردن این تحریم را اعمال کرده است. در حقیقت ایالات متحده آمریکا با انسداد دارایی‌های این اشخاص به سلب خودسرانه مالکیت آن‌ها اقدام و حق مالکیت آن‌ها را نقض نموده بود. همچنین این تحریم ناقض برخی از حقوق بشری که در میثاق حقوق مدنی و سیاسی مدون شده‌اند بوده است؛ از جمله حق آزادی رفت و آمد و حق بر مالکیت خصوصی که این دو حق در دستور اجرایی مذکور به شکل مصرحی نسبت به دادستان و اشخاص دیگر تحریم شده مورد خدشه واقع شد. نکته این که در خصوص افرادی که ناقض

حقوق بشر هم هستند تحریم باید با رعایت اصولی باشد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۶۳/۱۸۵ کشورها را تشویق کرده تا در اجرای تعهدات بین‌المللی خود در تهیه فهرست اشخاص مورد تحریم به اتهام تروریسم بین‌المللی، تضمین‌های کافی برای حقوق بشر را نیز در نظر بگیرند؛ یعنی به هرشکلی نمی‌توان تحریم آن‌ها را اجرا کرد. بنابراین ایالات متحده آمریکا در صورت تحریم افراد متهم به تروریسم هم باید اصول اولیه‌ای را رعایت نماید؛ امری که در تحریم قضات دیوان رخ نداد.

همان‌طور که پیشتر گفته شد تحریم افراد باید همراه با اصول و در واکنش به نقض تعهدات باشند، با این حال در این جا مشخصاً قضات تنها به وظایف خود عمل کرده و هیچ تعهدی را نقض نکرده بودند. لذا این نکته روشن می‌شود که ایالات متحده آمریکا تنها به دلایل سیاسی و بدون مبنای حقوقی اقدام به صدور این دستور کرد که این اقدام نیز بدون ارائه سندی محکم بوده است. با فرض سیاسی عمل نمودن نیز همان‌طور که پیشتر گفته شد در سازوکار دیوان عزل قضات پیش‌بینی شده است که ایالات متحده آمریکا می‌توانست به این امر استناد کند.

آنچه مشخص است این است که ایالات متحده آمریکا دستور مزبور را برای صیانت از منافع خود صادر کرده بود. در حقیقت اعتقاد این دولت بر این بوده است که اقدامات دیوان در رسیدگی به جرایم ارتكابی برخلاف منافع ایالات متحده آمریکا است؛ تصویری که در طول سالیان اخیر با توجه به هژمونی که ایالات متحده آمریکا نسبت به خود قائل است، در سیاست خارجی آن دیده شده است. اما واضح است که در حقوق بین‌الملل کیفری، اصل بر شخصی بودن مجازات است و اشخاص بدون توجه به سمت و مقام خود مورد محاکمه قرار می‌گیرند. لذا به هیچ عنوان اعمال آن‌ها قابلیت انتساب به دولت‌های شان را ندارد؛ بنابراین از آن جایی که اعمال متهمین این جنایات نمی‌تواند به دولت ایالات متحده آمریکا قابل انتساب باشد، پس تصور فرضی ایالات متحده آمریکا مبنی بر مخدوش شدن چهره‌اش در رسیدگی‌های دیوان، بدون مبنای می‌باشد.

۴- تعهدات بین‌المللی ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده آمریکا در قبال جامعه بین‌المللی تعهداتی دارد که با تحریم قضات دیوان از جنبه‌های گوناگون این تعهدات را نقض نموده است. این امر بدیهی است که جرایم بین‌المللی مندرج در اساسنامه رُم از فجیع‌ترین جنایاتی‌اند که جامعه بین‌المللی در کلیت خود با آن طرف است و تعهد دارد تا با آن‌ها مقابله کند؛ از این رو در تحریم قضات، ایالات متحده آمریکا به نوعی با جامعه بین‌المللی در کل طرف بود و خود را رودرروی آن قرار داد. قضات دیوان تنها به وظایف خود که در اساسنامه درج شده است عمل

نمودند که این امر مشخصاً خواسته دول عضو دیوان می‌باشد. لذا ایالات متحده آمریکا به نوعی در مقابل خواست این دولت‌ها نیز ایستادگی نمود که نتیجتاً واکنش جامعه بین‌المللی را در پی داشت. از طرف دیگر خود دیوان نیز تحریم‌های متخذه ایالات متحده آمریکا را محکوم و اعلام کرد که این اقدامات تلاشی برای دخالت در استقلال تعقیبی و قضایی دیوان می‌باشد. به عقیده دیوان این اعمال که نسبت به یک نهاد بین‌المللی قضایی اعمال شده بی‌سابقه بوده و حمله‌های شدیدی را نسبت به دیوان، سیستم عدالت کیفری بین‌المللی اساسنامه رُم و حکومت قانون به طور کل، ایجاد می‌کنند.

از منظر روابط بین‌المللی و سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا، در سال‌های اخیر تحریم به بخش مهمی از سیاست خارجی این دولت تبدیل شده است. تحریم‌های علیه دیوان هم ناشی از این سیاست بوده است که نشانگر یکجانبه‌گرایی^{۲۹} ایالات متحده آمریکا در روابط بین‌الملل است. چنین اقدامات یکجانبه‌ای می‌تواند ناقض تعهدات عام‌الشمول دولت‌ها باشد. می‌توان گفت امروزه بدون کیفر نماندن مرتکبین جنایات بین‌المللی به نوعی تعهد عام‌الشمول تبدیل شده است که تمامی دولت‌ها در جهت اجرای آن دارای تکلیف می‌باشند. هر جامعه‌ای دارای ارزش‌هایی می‌باشد که حراست از آن‌ها منجر به حفظ نظم می‌گردد و نظم عمومی بین‌المللی نیز به نوعی با تعهدات عام‌الشمول دولت‌ها در ارتباط می‌باشد. امروزه ممنوعیت شکنجه از قواعد آمره محسوب می‌شود که نتیجتاً جامعه بین‌المللی در کل برای برخورد با آن وظیفه دارد. همان‌طور که دیده شد ایالات متحده آمریکا با این که عضو دیوان کیفری بین‌المللی نیست ولی تعهد به همکاری در جهت اجرای عدالت برای او براساس تعهدات عام‌الشمول وجود دارد. برخورد با نقض قواعد آمره نیز نوعی تعهد عام‌الشمول می‌باشد که ایالات متحده آمریکا با تحریم قضات به نوعی در برابر این امر ایستادگی کرده است.

به جز موارد طرح شده، با توجه به ضرورت تحکیم و گسترش روابط بین‌المللی در کلیه زمینه‌های تجاری، اقتصادی و غیره که مطابق حقوق بین‌الملل باید صورت گیرد، دولت‌ها موظفند تا از توسل به هر نوع اقدامی که با همکاری‌های بین‌المللی مغایرت داشته باشد، خودداری کنند (وکیل، ۱۳۹۰، ۱۴۳). اصول و اهداف مبنایی ملل متحد آن‌طور که در منشور ذکر شده است شامل همکاری بین‌المللی، همکاری بین دولت‌ها، توسعه عدالت و حقوق بین‌الملل، احترام به حقوق بشر و حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی می‌باشند. ماده ۲ منشور ملل متحد تمامی دول عضو را ملزم می‌کند تا به سازمان ملل

متحد کمک نمایند. لذا کمک به سازمان ملل متحد و نهادهای بین‌المللی برای اجرای حقوق بین‌الملل، از اصلی‌ترین مبانی حقوق بین‌الملل است^{۳۰} و از این نظر اقدامات یکجانبه‌ای همچون تحریم‌های اقتصادی و سیاسی علیه بازیگران بین‌المللی، مطابق حقوق بین‌الملل ناقض این اصول می‌باشد. همچنین در اعلامیه «اصول حقوق بین‌الملل در خصوص روابط دوستانه و همکاری میان کشورها»^{۳۱} به تعهد کلی به همکاری به‌عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل اشاره شده است. این اعلامیه که در سال ۱۹۷۰ صادر شده است با این که دارای ضمانت اجرا نمی‌باشد ولی اصول اساسی حقوق بین‌الملل را بیان کرده است؛ بر همین اساس نیز می‌توان گفت ایالات متحده آمریکا بدون توجه به اصول اساسی حقوق بین‌الملل، اقدام خود جهت تحریم قضاات دیوان کیفری بین‌المللی را انجام داد و لذا به نوعی، به این اصول پشت نمود.

نتیجه

با تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی وظیفه رسیدگی به جنایات بین‌المللی بر عهده این دیوان گذاشته شده است که در همین راستا، دیوان اقدام به رسیدگی به جنایات ارتكابی سربازان ایالات متحده آمریکا در افغانستان نمود. همانند حقوق داخلی، در حقوق بین‌الملل نیز قضاات از مصونیت برخوردار می‌باشند تا به دور از دغدغه و با استقلال کامل قضایی به انجام وظایف خود بپردازند. قضاات دیوان نیز در جهت انجام وظایف مصرح خود در اساسنامه رُم به رسیدگی به اقدامات سربازان آمریکایی پرداختند که اقدام ایالات متحده آمریکا در تحریم آن‌ها ناقض اصل مصونیت قضاات بوده است. تحریم افراد حقیقی در حقوق بین‌الملل با سازوکاری که در اختیار دولت‌ها قرار گرفته است به گونه‌ای باید باشد که اراده جمعی دولت‌ها در آن دخیل باشد؛ مثل سازوکاری که سازمان ملل متحد در اختیار کشورها قرار داده است. ولی تحریم صورت گرفته توسط ایالات متحده آمریکا علاوه بر این که با اراده جمعی دولت‌ها همراه نبود، حقوق بشر شناخته شده در حقوق بین‌الملل همچون حق مالکیت، حق آزادی رفت و آمد و... را نقض نمود.

این مسئله که ایالات متحده آمریکا سران کشورها را تحریم می‌کند با تحریم قضاات دیوان بین‌المللی کیفری تفاوت دارد. تفاوت از این جهت است که در تحریم سران کشورها روابط بین‌الملل،

۳۰- هرچند دیوان کیفری بین‌المللی از ارکان ملل متحد نمی‌باشد، ولی مبرهن است که این دیوان از جایگاهی بسیار مهم در حقوق بین‌الملل برخوردار بوده و عدم همکاری با آن که به دنبال اجرای عدالت بین‌المللی می‌باشد، به نوعی ناقض اصل همکاری بین‌المللی است.

31- Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States.

منافع فردی دولت و سیاست نیز مطرح است. اما از آن جایی که دیوان توسط اکثریت دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی تأسیس شده و اراده جمعی دولت‌ها وجود داشته است، در تحریم قضاات دیوان، ایالات متحده آمریکا با جامعه بین‌المللی در کل طرف بوده است و خود را مقابل جامعه بین‌المللی در کل داده بود. از طرف دیگر اقدام ایالات متحده آمریکا ناقض تعهدات بین‌المللی آن دولت بوده است؛ از یک سو تعهداتی که در منشور ملل متحد بیان شده است مثل همکاری بین‌المللی، همکاری بین دولت‌ها، توسعه عدالت و حقوق بین‌الملل، احترام به حقوق بشر و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی که اجرای آن‌ها نیازمند همکاری چندجانبه دولت‌ها و عدم یکجانبه‌گرایی می‌باشد و از سوی دیگر، تعهدات عام‌الشمولی همچون لزوم تحقق عدالت کیفری در خصوص جنایات بین‌المللی که ایالات متحده آمریکا با تحریم قضاات دیوان مانعی بر سر راه اجرای عدالت ایجاد نمود. همچنین با توجه به نظریه برتری حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی، ایالات متحده آمریکا ملزم به رعایت حقوق بین‌الملل می‌باشد و نمی‌تواند با استناد به قانون داخلی خود از انجام آن سر باز زند و به طور یکجانبه قضاات را تحریم کند. چه همان‌طور که گفته شد اجرای تعهدات عام‌الشمولی که ایالات متحده آمریکا نیز متعهد به اجرای آن است، خدشه‌دار می‌گردد که نتیجه آن نیز برهم خوردن نظم بین‌المللی است. خلاصه این که رفتار ایالات متحده آمریکا در قبال دیوان و قضاات، ناشی از سیاست و منافع آن دولت بوده است و بر اساس حقوق بین‌الملل قابل توجیه نمی‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- آقایی، بهمن، ۱۳۸۷، **فرهنگ حقوقی بهمن**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش.

- آکاندی، داپو، ۱۳۸۵، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به اتباع دولت‌های غیرعضو: مبانی حقوقی و

محدودیت‌ها، ترجمه حسین آقایی جنت مکان، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۴۳.

- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۸، **حقوق بین‌المللی کیفری**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات میزان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۰، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ بیست و سوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر و اسدی، فرشته، ۱۳۸۷، **مصونیت قضایی دادرسان و وکلای دادگستری در نظام حقوقی ایران، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۴.
- دهقانی، رضا، ۱۳۸۲، **دیپلماسی امریکا در قبال دیوان بین‌المللی کیفری، فصلنامه سیاست خارجی**، شماره ۲.
- زرریشان، شهرام، ۱۳۹۳، **شکل‌گیری و شناسایی حقوق بین‌الملل عرفی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- زمانی، سیدقاسم و مظاهری، جمشید، ۱۳۹۰، **تحریم‌های هوشمند شورای امنیت در پرتو قطعنامه ۱۹۲۹: حفظ یا تهدید صلح؟، مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۴۴.
- شریعت باقری، محمدجواد، ۱۳۸۸، **حقوق کیفری بین‌المللی**، چاپ دهم، تهران، انتشارات جنگل.
- ضیایی، سید یاسر و محمدی مطلق، علیرضا، ۱۳۹۳، **تحریم اشخاص حقیقی از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر تحریم برخی اتباع ایرانی، مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۸۸.
- کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۱۳۹۴، **مسئولیت بین‌المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل**، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، چاپ هفتم، تهران، انتشارات شهردانش.
- وکیل، امیرساعد، ۱۳۹۰، **ضمانت اجرای حقوق بنیادین بشر، تعهد به ترغیب و تضمین رعایت**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

لاتین

- Advisory Opinion of 8 July 1996, Available at: <https://www.icj-cij.org/public/files/case-related/95/095-19960708-ADV-01-00-EN.pdf>.
- Agreement on the Privileges and Immunities of the International Criminal Court 9 September 2002, Enforcement 22 July 2004.
- Charter of The United Nations 26 June 1945, Enforcement 24 October 1945.
- Decision of 11 November 1999 of ICTY on the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the Territory

- of the Former Yugoslavia since 1991. Available at: <https://www.icty.org/x/cases/simic/tdec/en/90727EV59549.htm>.
- Decision of 17 August 1932 of PCIJ on the Case of the S.S. Wimbledon. Available at: <https://www.icj-cij.org/en/pcij-series-a>.
 - Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States 24 October 1970.
 - Enduring Strategic Partnership Agreement between the Islamic Republic of Afghanistan and the United States of America 2 May 2012.
 - ICC Judges reject opening of an investigation regarding Afghanistan situation, ICC Press Release (12 April 2019) , Available at: <https://www.icc-cpi.int/Pages/item.aspx?name=pr1448>.
 - ILC, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts 2001.
 - Israel's Netanyahu hails US' sanctions on the ICC, Middle East Monitor Report, 15 June 2020, Available at: <https://www.middleeastmonitor.com/20200615-israels-netanyahu-hails-us-sanctions-on-the-icc>.
 - International Criminal Court condemns US economic sanctions, ICC Press Release, 2 September 2020, Available at: <https://www.icc-cpi.int/Pages/item.aspx?name=pr1535>.
 - Maogoto, Jackson Nyamuya, 2003, War on the Enemy: Self-Defence and State-Sponsored Terrorism. Melbourne Journal of International Law, Volume4, No. 2.
 - Martin, Elizabeth.A, 2009, Oxford Dictionary of Law, London, Oxford University Press.
 - Mochochoko, Phakiso, 2001, The Agreement on Privileges and Immunities of the International Criminal Court. Fordham International Law Journal, Volume 25. Issue 3.
 - Soldier Sentenced to Life Without Parole for Killing 16 Afghans, The New York Times Report, 23 August 2013, Available at: <https://www.nytimes.com/2013/08/24/us/soldier-gets-life-without-parole-in-deaths-of-afghan-civilians.html>
 - The Preliminary Examination Activities. ICC Report, 14 November 2014, Available at: <https://www.icc-cpi.int/Pages/item.aspx?name=pr1252>
 - The Situation in The Islamic Republic of Afghanistan, ICC Report, 5 March 2020, Available at: <https://www.icc-cpi.int/afghanistan>.
 - The US issues visa ban for ICC chief prosecutor following Afghanistan probe, Middle east Eye Report, 5 April 2019, Available at: <https://www.middleeasteye.net/news/us-issues-visa-ban-icc-chief-prosecutor-following-afghanistan-probe>
 - UN General Assembly Resolution 63/185, 3 March, 2009
 - UN Security Council Resolution 1368, 12 September, 2001
 - UN Security Council Resolution 1373, 28 September, 2001
 - UN Security Council Resolution 1386, 20 December, 2001

- US Presidential Executive Order 13928, 11 June, 2020
- US Sanctions International Criminal Court Prosecutor, Human Rights Watch Report, 2 September 2020, Available at: <https://www.hrw.org/news/2020/09/02/us-sanctions-international-criminal-court-prosecutor>.
- Vienna Convention on the Law of Treaties 23 May 1969, Enforcement 27 January 1980.